

# چگونگی رشد و فروپاشی اقتصاد



پیتر شیف • اندرو شیف

مترجم: رسول ابراهیمی

## سرشناسه کتاب

هرگونه کپی برداری از این کتاب به هر شکل ممنوع است و پیگرد قانونی دارد.

نام کتاب	چگونگی رشد و فروپاشی اقتصاد
عنوان انگلیسی	how an economy grows and why it
نویسنده	پیتر شیف و اندرو شیف
مترجم	رسول ابراهیمی
موضوع	اقتصادی
نوبت چاپ	الکترونیکی

## فهرست مطالب

21	فصل ۱: یک ایده متولد می‌شود
31	فصل ۲: تقسیم ثروت
44	فصل ۳: استفاده‌های گوناگون از اعتبار وام
52	فصل ۴: رشد اقتصادی
59	فصل ۵: رفاه، همراه می‌آورد
73	فصل ۶: آن را در خزانه بگذار
84	فصل ۷: زیرساخت و تجارت
94	فصل ۸: یک جمهوری متولد می‌شود
99	فصل ۹: دولت خلاق می‌شود
112	فصل ۱۰: ماهی‌های کوچک‌شونده
121	فصل ۱۱: یک راه نجات از دوردست

131	فصل ۱۲: بخش خدمات وارد میدان می شود
140	فصل ۱۳: بستن پنجره ماهی
146	فصل ۱۴: فراوانی کلبه
159	فصل ۱۵: رکود خانه‌ها
173	فصل ۱۶: گاز دادن بیشتر
186	فصل ۱۷: اوضاع خراب می شود

### افشای اطلاعات

پیتر شیف، رئیس و صاحب یک شرکت مالی است. اندرو شیف هم مدیر ارتباطات و کارگزار همان شرکت است. این شرکت، یک شرکت رسمی و ثبت شده است.

این کتاب فقط برای اطلاع رسانی نوشته شده است. این کتاب پیشنهادی برای خرید و فروش سهام یا چیزهای دیگر نیست. همچنین، یک راهنمای سرمایه گذاری هم به حساب نمی آید.

### یادداشت نویسنده

این کتاب، داستانی درباره تاریخ اقتصاد آمریکا است. در این داستان، شخصیت ها و اتفاقاتی وجود دارد. اما برای اینکه داستان ساده و کوتاه باشد، خیلی از جزئیات با هم ترکیب شده اند.

شخصیت های داستان، فقط نماینده یک فرد خاص نیستند، بلکه نماینده افکار و گروه های بزرگتری هستند. برای مثال، یک شخصیت در داستان، نماینده همه اقتصاددان هایی است که به چاپ پول زیاد باور دارند.

در داستان، بعضی کارها به رئیس‌جمهور روزولت نسبت داده شده، چون او به خرج کردن زیاد معروف بود. در حالی که آن کارها در واقعیت، قبل از او انجام شده بود. همچنین، یک شخصیت دیگر را به عنوان بنیان‌گذار یک شرکت معرفی کردیم، چون سال‌ها بعد از آن شرکت حمایت کرد. جزیره‌های خارجی در داستان هم نماینده همه کشورها هستند، نه کشورهای خاص.

امیدواریم این تغییرات کوچک در تاریخ و زندگی شخصیت‌ها را بر ما ببخشید.

### مقدمه

در صد سال گذشته، دانشمندان در همه رشته‌ها پیشرفت‌های شگفت‌انگیزی کرده‌اند، به جز یک رشته.

دانشمندان با کمک ریاضی و فیزیک، یک سفینه را میلیون‌ها کیلومتر آن‌طرف‌تر، روی یکی از ماه‌های سیاره زحل فرود آوردند. اما اقتصاددان‌ها نمی‌توانند به چنین موفقیت‌هایی اشاره کنند.

اگر مهندس‌های ناسا هم مثل اقتصاددان‌های بزرگ ما پیش‌بینی می‌کردند، سرنوشت مأموریت فضایی آن‌ها خیلی فرق می‌کرد. نه تنها

سفینه‌شان به سیاره زحل نمی‌رسید، بلکه احتمالاً موشک بعد از پرتاب به سمت زمین برمی‌گشت، از پوسته زمین رد می‌شد و در اعماق مواد مذاب منفجر می‌شد.

در سال ۲۰۰۷، دنیا در آستانه بزرگ‌ترین فاجعه اقتصادی در سه نسل اخیر بود، اما تعداد خیلی کمی از اقتصاددان‌ها می‌دانستند که چنین خطری در راه است. حالا بعد از چند سال، اقتصاددان‌ها راه‌حلی پیشنهاد می‌دهند که به نظر بیشتر مردم مسخره می‌آید. به ما می‌گویند برای حل بحران بدهی، باید بیشتر بدهکار شویم و برای ثروتمند شدن، باید بیشتر خرج کنیم. دلیل اینکه دید آن‌ها در گذشته این قدر ضعیف بود و راه‌حل‌هایشان امروز این قدر عجیب است، این است که تعداد کمی از آن‌ها می‌دانند علم اقتصاد واقعاً چطور کار می‌کند.

این مشکل به خاطر پذیرش جهانی نظریه‌های جان مینارد کینز است. او یک استاد انگلیسی باهوش در اوایل قرن بیستم بود که ایده‌های خیلی احمقانه‌ای درباره رشد اقتصاد داشت. در واقع کینز یک کار خیلی عجیب کرد: او یک موضوع ساده را به نظر بسیار پیچیده جلوه داد.

در زمان کینز، فیزیکدان‌ها با مفاهیم جدیدی درگیر بودند. آن‌ها فکر می‌کردند جهان با دو قانون فیزیکی کاملاً متفاوت اداره می‌شود: یکی

برای ذره‌های خیلی کوچک مثل پروتون و الکترون، و دیگری برای همه چیزهای دیگر. شاید کینز هم حس کرد که علم خسته‌کننده اقتصاد به یک ایده جدید نیاز دارد. برای همین، او هم یک دیدگاه شبیه به فیزیک‌دان‌ها ارائه داد. او گفت دو جور قانون اقتصادی وجود دارد: یکی در سطح کوچک برای افراد و خانواده‌ها و دیگری در سطح بزرگ برای کشورها و دولت‌ها.

ایده‌های کینز در پایان دوره‌ای مطرح شد که اقتصاد دنیا بیشترین رشد را در تاریخ داشت. در قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم، ظرفیت تولید و سطح زندگی در دنیای غرب به شکل بی‌سابقه‌ای بالا رفت. مرکز این رشد بزرگ، اقتصاد آزاد آمریکا بود؛ کشوری که به حقوق فردی و دولت محدود اهمیت زیادی می‌داد.

اما این رشد اقتصادی که بر اساس بازار آزاد بود، قدرت‌های سیاسی در خیلی از کشورهای دنیا را تهدید می‌کرد. از طرفی، این رشد باعث به وجود آمدن فاصله طبقاتی زیادی شده بود. برای همین، بعضی از دانشمندان و روشنفکران به دنبال یک راه بهتر و عادلانه‌تر بودند. کینز هم می‌خواست با علم جدید، به این بازار به ظاهر ناعادلانه نظم بدهد. اما

او ندانسته به دولت‌ها و کسانی که فکر می‌کردند اقتصاد باید از بالا کنترل شود، بهانه داد.

اساس دیدگاه او این بود که دولت‌ها می‌توانند با چاپ پول و خرج کردن بیشتر از درآمدشان، جلوی بالا و پایین رفتن شدید بازار آزاد را بگیرند. وقتی طرفداران کینز در دهه ۱۹۲۰ و ۱۹۳۰ پیدا شدند، با گروه دیگری از اقتصاددان‌ها به نام مکتب اتریش درگیر شدند. اتریشی‌ها می‌گفتند رکود اقتصادی لازم است تا اشتباه‌هایی که در دوران رونق اقتصادی انجام شده، جبران شود. آن‌ها باور داشتند که رونق‌های اقتصادی غیرواقعی، به خاطر دخالت دولت و پایین آوردن دستوری نرخ بهره به وجود می‌آید.

پس در حالی که طرفداران کینز می‌خواهند جلوی رکود را بگیرند، اتریشی‌ها می‌خواهند جلوی رونق‌های مصنوعی را بگیرند.

در این رقابت اقتصادی، طرفداران کینز یک برتری بزرگ داشتند.

چون نظریه کینز راه‌حل‌های بدون دردسر پیشنهاد می‌داد، خیلی زود بین سیاستمدارها محبوب شد. سیاست‌های کینز قول می‌داد که شغل ایجاد کند و رشد اقتصادی به وجود بیاورد، بدون اینکه مالیات‌ها را بالا ببرد یا خدمات دولتی را کم کند. این سیاست‌ها مثل برنامه‌های کاهش

وزن معجزه‌آسایی بود که به رژیم و ورزش احتیاج نداشت. این امیدها، هرچند غیرمنطقی، اما آرامش‌بخش بودند و در تبلیغات انتخاباتی خیلی جذابیت داشتند.

نظریه کینز به دولت‌ها اجازه می‌دهد وانمود کنند که می‌توانند با چرخاندن یک دستگاه چاپ پول، سطح زندگی مردم را بالا ببرند.

در نتیجه این طرفداری از دولت، اقتصاددان‌های طرفدار کینز خیلی بیشتر از اتریشی‌ها به مقام‌های بالای دولتی می‌رسیدند. دانشگاه‌هایی که وزیر اقتصاد و خزانه‌دار تربیت می‌کردند، اعتبار بیشتری پیدا می‌کردند. به همین دلیل، دانشکده‌های اقتصاد کم‌کم استادهایی را ترجیح دادند که از این ایده‌ها حمایت می‌کردند و اتریشی‌ها روز به روز به حاشیه رانده شدند.

به همین ترتیب، شرکت‌های مالی بزرگ که اقتصاددان‌های زیادی را استخدام می‌کنند هم به نظریه کینز علاقه دارند. بانک‌های بزرگ و شرکت‌های سرمایه‌گذاری در محیطی که پول آسان و اعتبار فراوان باشد، سود بیشتری به دست می‌آورند. این باور که دولت باید از سرمایه‌گذاری‌ها حمایت کند، به این شرکت‌ها کمک می‌کند تا